

## اصول فرهنگ اسلامی

(۲)

## ۴ - فرهنگ سازنده و متحرک

اسان بقتضای یک سلسله مفاهیم کلی دارای مقام دخیلفة اللہی و جان نشینی پروردگار، در روی زمین میباید و این مقام و موقعیت را از روی علم و اراده احراز نموده است :

ساجر ارا قرآن مجید بدین مضمون نقل میکند هنگامیکه پروردگار اراده خود را مبنی بر خلقت خلیفهای در روی زمین به فرشتگان آسان اعلام فرمود ، آنها گفتند آیا کسی را در روی زمین می آفرینی که فساد و خونریزی پیشه بگیرد ؟ ما بتقاضی ترا تسبیح و تنزیه می کنیم .

پروردگار گفت : آنچه را که من میدانم شما نمیدانید پس از آنکه «فامهائی» (حقیقی) را با آدم آموخت ، آنها را بر فرشتگان عرضه کرد و آنها از جواب عاجز ماندند و آدم ، ایشان را از اسماء آگاه کرد ، خداوند خطاب به فرشتگان آسان ، چنین فرمود : تکلم که من نهان آسانها و زمین را میدانم و علم دارم با آنچه را که آشکار میکنید و پنهان میدارید؟ ... و در این هنگام پروردگار فرمان داد که ملائکه بر آدم سجده کنند (۱) .

اشتباه نشود مفهوم خلیفه غیر از معنایی است که از آن توسط وسیله فهمیده میشود ، چون از باب مسئله دادی که در میان انگشتان نویسنده ای قرار گرفته و شعور و اراده ای از خود ندارد و یا نویسنده ای که گفتار دیگری را حرف به حرف بدون کوچکترین تصرفی دیکته میکند ، استقلال از خود ندارد ولی خلیفه و یا پلیمیر دیگر نماینده کسی است که بطور استقلال و با اراده و اختیار ، آراء و سنوایات شخص را طبق برنامه ترسیم شده ، همراه با اعتماد به شناسائی مخصوص و تصرفات حکیمانه ، تنفیذ اجرا میکند .

پرواضح است که تحقیق این مقام در خارج باید همراه با آزادی کامل در تصرفات بوجود

(۱) واذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفة . قالوا : ان جعل فيها من يفسد فيها ويسفك الدماء ، ونحن نسبح بحمدك ، و تقدس لك ، قال : اني اعلم ما لا تعلمون . و علم آدم الاسماء كلها ، ثم عرضهم على الملائكة فقال : اني اثبتني باسماء هؤلاء ان كنتم صادقين . قالوا : سبحانك لا علم لنا الا ما علمتنا . انك انت العليم الحكيم . قال يا آدم ابشهم باسمائهم . فلما ابشاهم باسمائهم قال : الم اقل لكم اني اعلم غيب السموات والارض واعلم ما تبذرون وما كنتم تكتمون واذ قلنا للملائكة اسجدوا لادم ... (سورة بقره آیه ۲۸ - ۳۳)

آید (همان آزادی که فرشتگان آسمان از آن بیم داشتند و تأکید کردند که این انسان با این کیفیت و با اینکه راههای خیر و شریرویی او بسیار است در آینده منشأ فسادها و خونریزیها میگردد). ولی تنها اختیار و آزادی اراده نمیتواند برای انسان فضیلت ایجاد کند، بلکه همه کرامت و فضیلت انسان در اینست که راه خیر و صواب را اختیار نماید و بپیمودن این راه فقط بوسیله علم ممکن خواهد بود. همان علم و دانشی که عنصر اصیل و پایه اساسی مقام پندگی و خلیفه الهی انسان در روی زمین است.

پس رسیدن به این مرتبه بلند انسانی و تصرف در طبیعت، و تسخیر نیروهای آن در صورت شناسایی علل و با تعبیر قرآن تعلم اسماء امکان دارد و هر گاهی در راه معرفت حقائق و اکتشاف قوانین طبیعت در هر مرتبه و مرحله ای که باشد، گامی است بسوی هدف مقدسی که برای انسان آماده گردیده و تحقیقی است در راه بدست آوردن نهایت و درجه نهائی کمال که انسان برای آن خلق شده و بالاخره انجام وظیفه ایست که سازمان هستی قلاعه آنرا بگردن انسان نهاده ... و خداوند بپیمودن این راه از راه اسباب سه گانه: قنوت، دعوت انبیاء و معائب و بویایا، تار سپیدن بکمال مقصود به انسان امر فرموده است.

بنابر این فرهنگ اسلامی فرهنگی است متحرک و سازنده و دائماً انسان را در راه پیشروی و تقدم در همه جوانب گوناگون تطور عقلی تشویق میکند و هر اکتشاف جدید و شناسایی رمزی از رموز طبیعت را جز هدف خلقت انسان و کمال او نمیشناسد و پرده برداری از اسرار طبیعت در قاموس فرهنگ اسلامی راهی بسوی شناسایی پروردگار شناخته شده و سیر در این راه را نمیتوان یکجا بپایان و نزدیکی بخدا و کمال انسانی لازم میبرد.

قرآن مجید خشیتها (که مفهومی غیر از ترس دارد و از آثار ایمان (۱) میباشد)، تنها در دانشمندان و صاحبان بینش سراغ میدهد (۲)

بنابر آنچه که گفته شد فرهنگ اسلامی و جامع الاطراف اسلامی که بر اساس خداشناسی استوار است خود بخود دارای امتیاز تحریک و سازندگی است. *بالحالات*

### ۵ - وحدت و یک پارچگی فرهنگ اسلامی

و این امتیاز که از امتیازات مهم فرهنگ اسلامی میباشد با این معنا است که هر کوشش فرهنگی در هر یک از جوانب تحقق پذیرد باید با سایر کوششها هماهنگ و یکپارچه باشد تا آنجا که در کوشش انسان، آنگاه جهان هستی را بنوازد، آنگاه که با تسبیح تمام موجودات عالم همراه و همواز است.

در بحثهای آینده توضیح این مطلب خواهد آمد.

(۱) شهاده ان لا اله الا هو و الملكة و اولو العلم قائماً بالقسط (سوره آل عمران آیه ۱۸)

(۲) انما یخشى الله من عباده العلماء (سوره فاطر آیه ۲۸).